



آثار عمده نویسنده

آقای ایرج پزشکزاد تالیفات و نوشته های متعددی دارند که در زمینه های سیاسی-اجتماعی می باشند و در لیست کارهای داستانی خود قرار نمی دهند. ما نیز همین تعداد از کتابهایی را که ایشان به عنوان «تالیفات داستانی» در پایان کتاب «گلگشت خاطرات» آورده اند در این صفحه نقل می کنیم:

- ۱- دای جان ناپلئون.....رمان
- ۲- ماشاءالله خان دربارگاه هارون الرشید... رمان برای کودکان و نوجوانان
- ۳- حافظ ناشنیده بند.....رمان تاریخی
- ۴- خانواده ی نیک اختر.....رمان
- ۵- ادب مرد به ز دولت اوست.....نمایشنامه
- ۶- پسر حاجی باباجان.....نمایشنامه
- ۷- بوبول.....مجموعه ی طنزهای اجتماعی
- ۸- آسمون ریسمون.....مجموعه ی طنزهای ادبی
- ۹- انترناسیونال بچه پروها.....مجموعه ی طنزهای سیاسی
- ۱۰- رستم صولتان.....مجموعه ی طنزهای سیاسی
- ۱۱- گلگشت خاطرات.....مجموعه ی چند خاطره ی نویسنده

بود را نمی توانم برایتان بنویسم، این داستان را می توانید در دیوان عبیدزاکانی بخش «رساله ی دلگشا» بخوانید تا از خاصیت معجزه آسای سقنقور آگاه شوید.

حب تقویتی برای قبله ی عالم

در نوشته ها، و گزارش هایی که از دوره قاجار و صفوی برجای مانده انواع و اقسام داروهای تقویتی را برای حفظ جبروت قبله عالم در ارضای بانوان حرامسراها سراغ داریم. از جمله در مورد حرامسراهای ناصرالدین شاه می خوانیم که: تعدادی فرض کنیم صد گنجشک را می گرفتند، ده تایی آن را جدا می کردند و برای تغذیه این ده گنجشک روزانه ده گنجشک را می کشتند و گوشت آنها را کوبیده با مخلوطی از داروها به ده گنجشک انتخاب شده می دادند تا خوب چاق شوند. در پایان وقتی این ده گنجشک همه گنجشک ها را خورده بودند آنها را می کشتند و گوشتشان را آمیخته با ادویه ای دیگر به قبله عالم می دادند تا بتواند پاسخگوی حرامسرای همایونی باشد.

اینها را نوشتم که فکر نکنید مسئله بیبری و آرزوی جوانی برای انسانها مسئله ای تازه است. همیشه پیران آرزوی جوانی کرده اند ولی داروی جوانی و تقویت قوه بقاء در اختیار همگان نبوده است. امروز چون ویا گرا در دسترس عموم است این آرزو بیشتر رخ می نماید.

در داستان مورد بحث ما نیز به قول استاد روانشاد دکتر محمد جعفر محجوب «زغال خوب هم بی تاثیر نیست»، یعنی حضور آقای دکتر عطا منتظری که به دوستان گاه گاهی از آن قرص ها می دهد باعث سرایش این شرعهای طنز و شوخی شده و اینکه حضرت ایرج پزشکزاد خود و دوستان مورد احترام خود را در دنباله مطلب در صفحه ۸

تاری دید به شود به دوا
قد خمتیده را چه خواهی کرد؟!؟

قد خمتیده راست شد به عصا

«پای» خوابیده را چه خواهی کرد؟!؟

اینگونه بحث و فحص ها و مناظرات و گفتگوها در شعر فارسی فراوان است که اگر بخوایم بدان پردازیم بقول معروف مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

اما برای اینکه این بحث را در بین قدامایان دهیم به «جوانان قدیمی» امروزی برسیم حیف است که از کلام شیرین افصح الشعرا شیخ سعدی غافل بمانیم.

سعدی در گلستان همیشه سرسبز دریا «ضعف و پیری» حکایتی دارد که با هم می خوانیم و به بحث مان ادامه می دهیم:

پیرمردی را گفتند: چرا زن نکستی؟ گفت: با پیرزنانم عیشی نباشد. گفتند: جوانی بخواه، چو مکت داری. گفت: مرا که پیرم با پیرزنان الفت نیست. پس او را که جوانی باشد با من که پیرم چه دوستی صورت بندد؟!؟

شنیده ام که در این روزها کهن بیبری

خیال بست به پیرانه سرکه گیرد جفت

بخواست دخترکی خوبروی، گوهر نام

چو دُرچ گوهرش از چشم مردمان بنیفت

چنانکه رسم عروسی بود مهیا بود

ولی به حمله ی اول عصای شیخ بخت

کمان کشید و بزد بر هدف که نتوان دوخت

مگر به سوزن فولاد جامه ی هنگفت

به دوستان گله آغاز کرد و حجت ساخت

که خان و مان من این شوخ دیده پاک برقت

میان شوهر و زن، جنگ و فتنه خاست، چنان

که سر به شحنة و قاضی کشید و سعدی گفت:



در کتابخانه سعدی با ایرج پزشکزاد

همانطور که قبلاً اشاره کردم آسایشگاه و کتابخانه سعدی «بنده منزل» همه دوستان و آشنایان ما بود، بطور مثال این عکس یادگار مسافرتی است که من با دوست عزیزم نصرت پور سرتیپ، نویسنده ی با ذوق به لوس آنجلس داشتم و چند شبی را که در شهر فرشتگان بودیم در خدمت آقای دکتر عطا منتظری بودیم که از بخت خوش ما حضرت ایرج پزشکزاد نیز حضور داشتند و باز طبق معمول آقای دکتر منتظری در عکس حضور ندارند و متشکریم از ایشان که آن لحظات پویا و گذرنده را برای ما ثبت کردند.

پس از خلاف و شیعت گناه دختر چیست؟

ترا که دست بلرزد گهر چه دانی سفت؟!؟

البته این بحث ها برای پیران قرون گذشته است که دسترسی به انواع و اقسام «ویا گرا» ها نداشتند، هرچند در آن روزگار، ماهی سقنقور کار ویا گرای امروز را می کرد.

متاسفم که داستان دزد بیچاره ای را که به خانه ی ابوبکر بابی رفته بود تا چیزی گیر بیاورد و گیر صاحبخانه حشری افتاده



یاد مانده ها

از نصرت الله نوح

(۱۴۴)

www.safinehnooh.com

مردی که نخستین رمان طنز فارسی را به ادبیات ایران هدیه کرد (۳)

طنزهای منظوم و منتشر نشده پزشکزاد برای دوستانش!

پیرامون ایرج پزشکزاد طنز پردازی که نخستین رمان طنز فارسی را به ادبیات ایران هدیه کرد به تقریب سخن گفته ام. دای جان ناپلئون و شخصیت های جاودانه اش در زبان و کلام مردم و در تاریخ طنز ایران جاری هستند و زندگی جاودانه ای دارند. در بررسی کتاب «گلگشت خاطرات» اثر آقای پزشکزاد قول داده بودم فزازهایی از یکی از داستان های برجسته این کتاب «من ودایی جانم» را برایتان نقل کنم. علت این کار این بود که در داستان «من ودایی جانم» کتاب دای جان ناپلئون از دیدگاه ایرج پزشکزاد، نویسنده موشکاف و تیزبین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اما وقتی خواستم «فزازهایی!» از این داستان را نقل کنم دیدم تقریباً تمام داستان را انتخاب کرده ام! این بود که از خیرش گذشتم و با اجازه سردبیر، این داستان را در فرصتی مناسب در صفحات دیگر ماهنامه پژواک چاپ خواهیم کرد. تا به کار خودمان برسیم.

طنز غیر مجلسی و خودمانی

ایرج پزشکزاد به غیر از دای جان ناپلئون و کتابهایی که در همین صفحه عنوان های آنرا می خوانید منتشر کرده است، دارای ذوق وافر و در طنز پردازی منظوم است. البته همانطور که قبلاً نیز در همین صفحات اشاره کردم این طنزها کاملاً خصوصی است و به غیر از حضرت ایرج پزشکزاد، دکتر عطا منتظری و حقیر فقیر نگارنده کسی به آنها دسترسی ندارد ولی همانطور که قبلاً قول داده بودم با اجازه ی بی اجازه ایشان چند شعرشان را برایتان می نویسم. این طنزها زندگی خصوصی جوانان قدیمی، امثال ما را مورد هدف قرار میدهد که مثلاً پیر شده ایم و نباید دیگر کاری به کار زیبا رویان و بحث و فحص درباره آنها داشته باشیم.

البته قبل از اینکه جناب پزشکزاد در این مورد به خودش و ما بپردازد تاریخ طنز ایران لبریز از اینگونه گفتگوهاست، شاید یکی از قدیمی ترین آنها فریاد مهستی گنجوی شاعر بزرگ ایران باشد که از دست همسر پیر و غلامباره ی خود فریاد داشت:

ما را به دم پیرنگه توان داشت

در حجره ی دلگیر نگه توان داشت

آن را که سر زلف چو زنجیر بود

در خانه به زنجیر نگه توان داشت

مهستی همسر پسر خطیب گنجه بود، همسرش به غلامی که در خانه داشتند نظر داشت و مهستی شاعر و سخنور و هنرمند را به هیچ می گرفت، مهستی این رباعی را برای همسرش فرستاد:

آن یار که هست حسن عالمگیرش

ای کاش که او زبر بُد و من زیرش

ای پور خطیب باش تا صلح کنیم

تو با...ش بساز و من با...ش

از اینگونه داستان ها در ادبیات فارسی فراوان است و لی چون مجلسی نیست کمتر در دید خوانندگان گذاشته می شود.

از قدیم معمول بوده است مردها وقتی به پیری نزدیک می شدند کوشش می کردند با رنگ کردن موی سر و آبرو پیری خود را بپوشانند و خود را جوان نمایش دهند.

یک خدا، یک پیام، یک دین

کدام دین؟

با اینکه آداب و رسوم ادیان متفاوت هستند ولی یکتا پرستی اصل و اساس تمام ادیان است

یگانگی ادیان

قرآن ۴۲:۱۳

او همان دینی را برای شما مقرر کرد که برای نوح مقرر کرد و آنچه ما بر تو (محمد) وحی کردیم و آنچه برای ابراهیم، موسی و عیسی مقرر نمودیم: «شما باید از همین یک دین پیروی کنید و آن را فرقه فرقه نکنید...»

کتاب مقدس-مقرس ۱۸-۱۰:۱۷

چون به راه می رفت، شخصی دوان دوان آمده، پیش او زانو زده، سؤال نمود که «ای استاد نیکو چه کنم تا وارث حیات جاودانی شوم؟» عیسی بدو گفت: «چرا مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز تنها خدا.»

تثنیه ۵-۶

ای بنی اسرائیل گوش کنید: «پروردگار خدای ما خدائیست یکتا. او را با تمامی دل جان و توانایی خود دوست بدارید»

یسنا ۷:۳۴

پس من با راستی و درستکاری می خواهم که تنها تو (ای خدا) پناه و یار من باشی

جمعیت یکتا پرستان ۷۵۷۰-۹۱۶ (۴۰۸)

www.masjiduntucson.org

www.submission.org

سام فینی

مشاور با تجربه، تحصیل کرده و پر تلاش

در خرید و فروش املاک و وام

(سافرنانسیسکو، سن حوزه و بی اریا)

❖ خرید Buy ❖ فروش Sell ❖ وام Finance



جهت بهره برداری از موقعیت استثنایی بازار خرید املاک با ما تماس حاصل فرمایید

Sam Fini

COLDWELL BANKER
DCP
(650) 834-1586

Realtor/Loan Specialist San Francisco Bay Area

(650) 834-1586

Fax: (415) 814-5728

www.samfini.com Email: farsi@samfini.com